

شکاف اجتماعی
بزرگ‌ترین خطری
است که جامعه
اسلامی را تهدید
می‌کند و در
جای جای آیات
قرآن می‌گوید با
وجود این خطر
بزرگ، دچار
فروپاشی هویتی
می‌شوید.
نبایستی تفرقه
اتفاق بیفتد.
آهنگ کار در
همه عرصه‌های
عمومی باید
همبستگی و
انسجام باشد.

درنگ درباره مفهوم دولت و سازوکارهای مردمی سازی دولت، مقوله بسیار مهمی است. بحث حلقه‌های میانی که مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۹۸ خرداد مطرح کردند، از جمله مفاهیمی است که اگر به درستی تبیین شود، می‌تواند به عنوان یکی از راهکارهای مردمی سازی دولت سیزدهم دنبال شود. این اصطلاح حلقه‌های میانی، ریشه در فرهنگ قرآن و سنت و آموزه‌های اسلام ناب و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) دارد که به شماری از آن‌ها اشاره می‌کنم.

پیش از هر چیز نیاز است توضیح دهیم که حلقه‌های میانی یعنی چه و این مفهوم به چه معنایی به کار می‌رود؟ بعضی این‌گونه تفسیر کرده‌اند که حلقه‌های میانی، واسطه‌ای بین امام و امت است؛ درحالی‌که این تعبیر درست نیست. مایک‌امت داریم و یک امامت؛ چیز سومی نداریم که بخواهد واسطه‌گری کند و اسم آن را حلقه‌های میانی بگذاریم. در دیدگاه اسلام، امامت وجود دارد که در رأس جامعه اسلامی است و مخاطبان امام که امت اسلامی است.

در اندیشه سیاسی غرب، شهروندان به معنای عام کلمه، به فرمان‌روایان و فرمان‌برداران تقسیم می‌شوند؛ یعنی ماد و کفه لازم داریم؛ یک کفه ترازو فرمان‌روایان است که دولتمردان هستند و یک کفه ترازو، فرمان‌بردارانند و آن مردم هستند. در این نگاه باید بین این دو کفه ترازو، موازنه سیاسی و حقوقی ایجاد کرد. در میانه این دو، حلقه‌های واسطی درست می‌کنند به نام نهادهای مدنی و احزاب سیاسی که تعامل بین دولت و ملت را برقرار می‌کنند و بهبود می‌بخشند.

در اسلام، ما با دو قطب «دولت و ملت» روبه‌رو نیستیم. با یک حقیقت واحدی به نام جامعه اسلامی مواجه‌ایم؛ هرچند که این حقیقت واحد ذومراتب است. خداوند به این حقیقت در آیات زیادی اشاره می‌فرماید؛ از جمله این آیه که می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ». در اندیشه اسلامی، جامعه ایمانی داریم. در جامعه ایمانی یک نفر به نام امام مسلمین نقش رهبری را ایفا می‌کند. زیرمجموعه امام مسلمین، در جایگاه «دولت اسلامی» مسئولیت دارند و نقش ایفا می‌کنند. دیگران نیز به عنوان آحاد جامعه اسلامی نقش دارند. نقش‌ها متفاوت از یکدیگر است؛ اما همگی عنوان جامعه اسلامی دارند. همه این لایه‌ها و نقش‌ها در راستای شکل و شمایل است که خداوند می‌خواهد به این جامعه بدهد که «صِبْغَةَ اللَّهِ» است: «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً». هم فرمان‌روایان و هم فرمان‌برداران، همه پیرو و مبتنی بر شریعت اسلامی هستند.

در غرب، بر اساس امر نوشته یا نانوشته‌ای به نام «قرارداد اجتماعی» می‌گویند این، تکلیف دولتمردان است و این، تکلیف شهروندان است. اما در اسلام، فرض ما این است که دولت و مردم و رهبری اجزای یک پیکره هستند به عنوان جامعه اسلامی. خطابات قرآنی همه‌اش از این نوع است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»، یعنی جامعه ایمانی. امت اسلام هم همه را در بر می‌گیرد و چون امت، پیشگام می‌خواهد، اسم این پیشگام امام است. حال این امام یا رسول الله (ص)، یا یکی از ائمه اطهار (ع) یا در عصر غیبت، ولی فقیه است؛ وگرنه امام هم یکی از آحاد امت اسلامی به حساب می‌آید؛ بنابراین چیزی تحت عنوان واسطه و میانه، که نه امت باشد و نه امام در میان نیست که بدون او